

فکر

* شماره ۵ | مرداد ماه ۱۳۰۵ | صفحه ۱۴۵ *

همیشه مادری همیشه حرکت

آسیاب طبیعت متصل میگردد. همه کرات، تمام ستاره ها: سیارات و ثوابت، شهابها و اجزای آسمانی، همه دور میزنند همه حرکت میکنند. آفتاب میگردد. او بدور خود و بطرف سیارات و گالکسها میزند. بچه های او یعنی سیارات بدور او و خود میگردند. قمرها بدور سیارات گردش میکنند. همه شب و روز میدوند همه دور میزنند هیچ خسته نمیشوند. آنرا زمین، اینخانه بزرگ متحرک و یا طیاره عظیمی که مادر آن مسکن داریم همیشه در حرکت میباشد. در سطح زمین کوه ها و دریاها، جلگه ها، دشتهای هوا و بخار همه متصل تغییر می کنند.

حتی آب و هوای بمالك ، مصیب رودها محل دریا و دریاچه ها هم عوض میشود . عمر انسانی بقدری کم و کوچک است که غالباً خیال میکند در روی زمین همه چیز آرام ، همه چیز ساکن و بی حیات است . همیشه خانه ما بهمین شکل بوده همیشه این درخت چنار بهمین ترکیب در وسط حیاط ما وجود داشته رود « سفید رود »

گیلان همه ساله در همین خط حالیه سیر کرده و دارای همین منظره بوده و همیشه کوه دماوند آنطور دوزانو در شمال طهران روی زمین نشسته بوده است ! ما مثل پروانه هستیم که یکی دو روز بیشتر عمر نکرده و باینجهت وقتی روی بوته گل یا شاخه درختی می نشیند خیال میکند (اگر می توانست خیال بکند) که همیشه این گل بهمین شکل و طراوت باقی خواهد ماند و همواره این برگها اینطور سبز و قشنگ و پهن بوده و نخواهند بود . ولی اشتباه می کند همانطور که ما هم اشتباه می کردیم .

خوب نگاه کنید ! من که جاوی شما ساکت و ساکن نشسته ام و راه نمیروم . - همیشه حرکت می کنیم . در بدن من ، در پوست و زیر پوست من يك حرکت و جنبش دائمی يك زدو خورد و جنگ لا ینقطع بین گلول ها و میکروب ها و بین ذرات و غیره

برپااست . هر دقیقه و هر ثانیه تغییرات عظیمه در من بوجود
می آید . اگر شما خیال میکنید که من بکلی همان آدمی هستم که
یکساعت پیش دیده بودید اشتباه میکنید . من متصل عوض
میشوم .

این میز که جاو من است و بنظر شما ثابت می آید ، همیشه
حرکت میکند . او نه فقط با زمین بدور زمین و خورشید و غیره
می گردد بلکه در داخل او ، همه توده او ، تمام ذرات او . الکترون ها
و قسمت هسته او (الکترون و قسمت هسته اتم مجموعاً اتم را
تشکیل میدهند) همه متصل حرکت میکنند . هر اتم کوچک
چنانکه امروزه دیگر کاملاً ثابت شده است خود عبارت از یک
منظومه شمسی و یک عالم کوچک است . ما میدانیم که اجسام
همه از ماده ترکیب شده اند اما ماده هم هیچوقت بدون حرکت
نمیشود . این حرکت است که حالت اصلی و معمولی اجسام است
نه سکون . ما همیشه در حرکتیم و گرم حرکتیم ، باینجهت آنرا
نمی بینیم . و حس نمی کنیم . همانطور که ماده دائمی و ابدی است
حرکت هم که یک خاصیت جدا نشدنی از آنست همیشگی و
دائمی است . همان قسم که شما حرکت بدون ماده هیچوقت

نخواهید دید ماده بدون حرکت هم وجود نداشته و نخواهد داشت.

سکون مطلق و جو خارجی ندارد. همه چیز تغییر و حرکت میکند

همه چیز بطرف تکامل میرود ترقی مینماید خراب میشود (یعنی

شکل سابق خود را از دست میدهد) و بعد از نو بشکل دیگر و کامل تر

ظاهر شده مجدداً خط خود را سیر مینماید. بقول استاد سو سیالینم علمی

در همه چیز و همه وقایع متد «طریقه» دیاالکتیک «DIALECTIQUE»

مشاهده میشود. هگل فیلسوف بزرگ آید آلیست آلمان که اول دفعه

به قانون (دیاالکتیک) پی برد این متد را بطریق ذیل بیان میکند:

همه شیئی در ضمن حرکت لایتنقطع خود در هر موقع معین دارای

حالت تعادلی است که باصطلاح هگل «THÈSE» نیز نامیده میشود

بعد این تعادل خراب شد و در حالتی متضاد آن بوجود میآید

که عبارت از آنتی نیز «ANTITHÈSE» میباشد و بالاخره تعادل بر روی

اساس جدیدی تجدید شده و حالتی مرکب و متحد از دو حالت

مخالف اول و دوم بدست میآید که سنتز «SYNTHÈSE» میباشد.

این خاصیت مخصوص همه حرکتها را که در فرمول سه

عضوی فوق تر یاد «TRIADÉ» ظاهر میشوند هگل دیاالکتیک

نامید دیاالکتیک «DIALECTIQUE» عبارت از قانون حرکت

در ماده، در طبیعت و جامعه می باشد. همه تاریخها و سرگذشتها
دوره «نز» و «آنتی نز» و «سنتز» را طی میکنند. مثلا گرم ابریشم را
بردارید: بدور خود پیاه می تند، در پیاه تغییر شکل داده بال و پر
در می آورد و پروانه میشود، پروانه پیله را سوراخ کرده میبرد و در
خارج پیاه تخم گذاشته خود میمیرد. اما تخم کم کم گرم میشود
گرم بزرگ میشود و بدور خود پیاه ترتیب میدهد، سپس
پروانه شده تخم میگذارد و میمیرد. باز تخم گرم میشود... الخ
همچنین است در حیات نباتات و در جامعه های انسانی
و غیره. مثلا امر و زه چنانکه میدانیم تقریباً در تمام اروپا
«باستثنای روسیه» و آمریکا و غیره در سرمایه داری «کاپیتالیزم»
حکمران ما می باشد. ^{روش کار علوم انسانی و مطالعات فلسفی} ولی این جامعه از همان ابتدای ظهور خود
در شکم خویش نطفه «آنتی نز» خواهد آید که صنف کارگر می باشد،
پرویش میدهد. صنف آخری بتدریج زیاد و قوی میگردد
بالاخره حکومت دیکتاتور صنف حاکمه کنونی را سرنگون
کرده و حاکمیت خویش را که بکلی نقطه مخالف رژیم سابق است
تأسیس مینماید. سپس بعد از جو شدن امتیازات صنفی دیکتاتور
این صنف هم کنار رفته و جامعه بدون صنف و رژیم سوسیالیزم

که عبارت از «سنتز» باشد بوجود میآید.

آیا چنانکه خیلی از اقتصاد یون صنف حاکمه مایلند و خیال میکنند؛ ممکن است که سبک امر روزی دائمی و ابدی باشد؟ نه. قانون طبیعت به خوش آمدن و خوش نیامدن کسی نگاه نخواهد کرد. قانون مسلم طبیعت، ترقی عاوم و سعادت بشر همه اینها تغییر و پیشرفت جامعه را بطرف جاو تقاضا می کنند.

باری بنا بر این از آنچه در بالا گفته شد ظاهر میشود که انتهای هر دوره در همان حین ابتدای دوره جدید آتی است و هر «سنتز» برای دوره ما بعد خود عبارت از «تر» می باشد. همه چیز مطیع قانون تکامل بوده و در هر درجه معین از تکامل هم وقوع انقلاب و انفجار حتمی است. عالم، اشخاص و اشیاء همه متصل به پیش رفته و در حرکت می باشند. نبض طبیعت دائماً با شدت میزند. همیشه حیات است همیشه حرکت است و همیشه تغییر و تبدیل است. ماده پیوسته همان است که بود مقدار آن کم و زیاد نمیشود فقط در هر نوبت از شکلی بشکل دیگر منتقل شده و از آن بدیگری تبدیل می گردد. خواهر شما عروسک کوچکی دارد که هر روز رخت و توالتش را تغییر میدهد آیا این عروسک

در هر روز سرده و بعد روز دیگر عروسك ديگر بوجود ميآيد؛
نه - عروسك عوض نميشود فرموده او عوض ميگردد. ماده در حقيقت
مانند آكتری است كه هر اجزاه و هر چند گاه «گريم» خود را عوض
ميكند ماده ابدی است و تاريخ زندگي آن اول و آخر ندارد.
همه چیز ماده است و ماده همه چیز است. طبيعت، زمین، آب و بخار
همه ماده اند. حیات از ماده است؛ روح، عقل و ادراك همه از خواص
ماده از وظایف و شغل های ماده و از صنیعات ماده میباشد.
او هیچ وقت محو نمیشود و ایجاد هم نمیگردد. از هیچ چیز شما
هیچ چیز درست نخواهید کرد. همه چیز هائی كه هست از پیش
هم بوده و بعدها هم خواهند بود.

قانون (حفظ و بقای ماده) و قانون (حفظ انرژی) از آن قوانین
مسامه طبیعت هستند كه امر و نه نهي را در مدرسه فیزيك خواننده
با آنها كاملاً آشنای باشد: آیا استكان آبر كه شما در جاوی آفتاب
ميگذاريد و پس از اندك مدتی می بینید در آن هیچ آب وجود ندارد،
دلالت بر این ميکند كه ماده محو می شود؛ نه - آب فقط شكل خود را
تغییر داده بخار می گردد. شما همین يك استكان آب را در ظرف
مخصوص بتوسط حرارت بدل به بخار کنید و لی بخار را در لوله های

مخصوص داخل نماند که در فضا منتشر نشود ، سپس قسمت
«تیدررن» آنرا جدا و «اکسیرن» آنرا جدا در ترازو وزن کنید مواد
دیگری هم که با آب مخلوط است در ترازوی دقیق بکشید خواهید
دید که مجموع آنها باز همان چند گرام «اتم» و یا چند میلیون الکترون
و برتن (اجزاء مرکب اتم) خواهند بود که در استکان بوده است
میدانیم که اجسام موسوم به رادیو اکتیو یعنی راد یوم
و خانواده او متصل اطراف خود را بتوسط اجزاء خویش بمبارده
کرده و باینجهت در هر دو هزار سال تقریباً نصف خود را از دست
میدهند. آیا این اجزاء و قسمت راد یوم کجا میروند؟ آنها محو
نمیشوند؟ آیا ماده نمیبیرد؟ خیر ماده محو نمیشود ماده در هوا
و آتر پخش میشود ، در فضای دنیا منتشر شده (یا در اجسام دیگر)
باقی میماند .

رتال جامع علوم انسانی

بسیار خوب ، تا بحال دانستیم که ماده همیشه بوده و همیشه هم خواهد
بود . کسی آنرا ایجاد نمیتواند بکند و محو هم نمیتواند ؛

اما کدام کارگر این ماشین طبیعت و یا مجموعه مادهها را
اداره میکند ؟

باز هم قانون حرکت - حرکت مداوم و لاینقطع - جواب این

سؤال را بما بیان می کند:

مهندس حرکت ماده عبارت از خود حرکت ماده و اداره کننده کار خانه طبیعت حرکت مجموعه قسمتها و اجزاء طبیعت است حرکت ماده و حرکت اجزاء طبیعت اول و آخر و مرگ و میر ندارد طبیعت برای ما یک قوه نفهمیدنی، یک شئی مر موز و یا یک «اسم معنی» نیست: من، تو، سنگ، درخت، خانه، کره زمین، منظومه آفتاب و هزارها و ملیونها آفتابهای دیگر همه ماده همه اجزای طبیعت و همه طبیعت هستیم. تمام این قسمتهای مختلفه طبیعت، همه این تو ددهای ماده هادر تحت تاثیر قانون عمل و عکس العمل بوده، یعنی حرکات همدیگر را در ضمن حرکت خود اداره کرده و در تحت قانون منظم در میآوردند [و در میآیند] نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

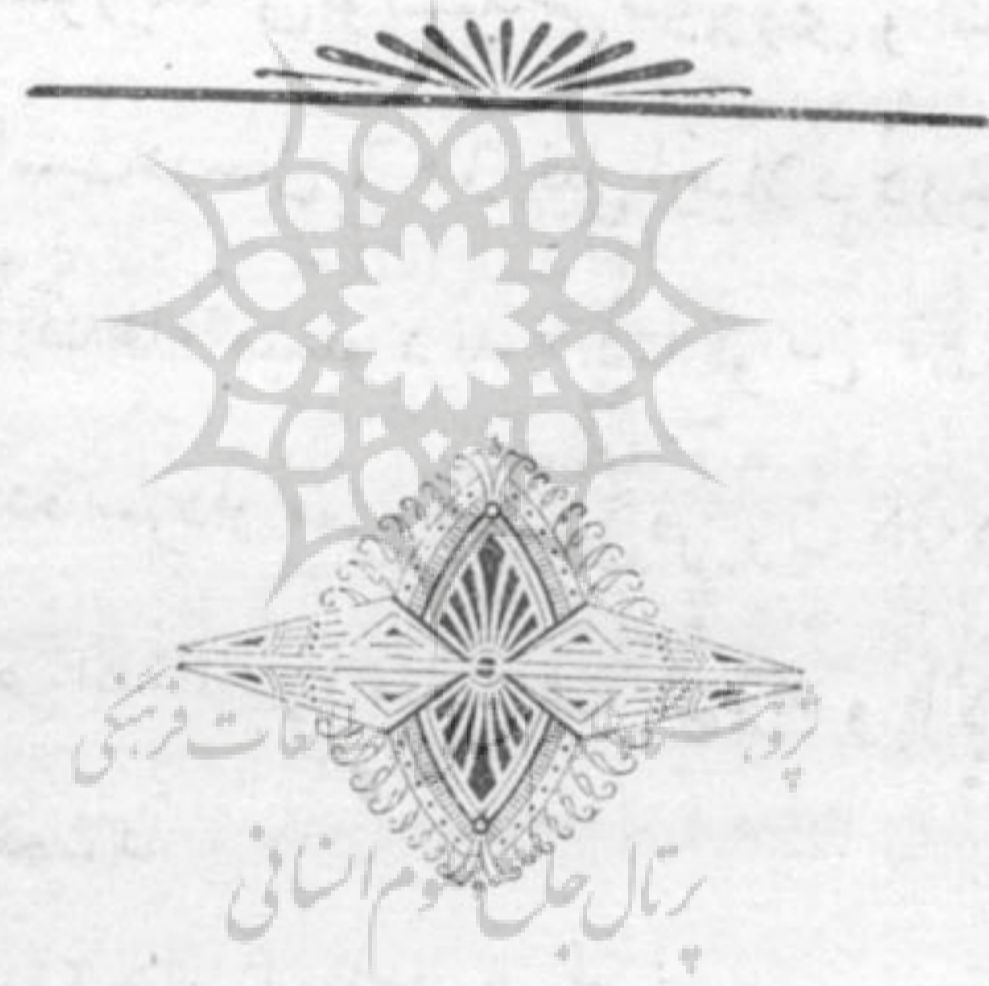
پس هر اثری که در طبیعت و در عالم واقع میشود نتیجه یک رشته اثرات دیگر و مربوط یک سلسله وقایع دیگری باشد. تمام آن حادثه های غیر منتظره «رای ما» که ما اسم آنها را تصادف یا اتفاق، سر نوشت، قضا و قدر و غیره میگذاریم همه نتیجه یک سلسله حرکات منظم و عادی است که نتیجه آنها بطور حتم این واقعه اخیر خواهد بود. منتهمی چون از وقایع ماقبل

آن بیخبر بوده ایم اثر اخیر بنظر ما تصادف! و غیر منتظر می آید
پس این جهان ونداستن ماست و یا عجز و بی قدرتی ما. نه تصادف
و اتفاق. باران امسال در فلان ده ایران در غیر موقع باریده
و محصول را خراب می کند به جالینز صد مه میرساند. —

این امر بنظر دهقان ایرانی چه می آید؟: قضا و قدر، سرنوشت، طالع
تصادف و... اما همین باران را امر و زهره امر یکائی میتواند برور
علمای فن مطیع خود کرده و چنانکه همه در روزنامه خوانده ایم
حتی در صورت لزوم میتواند با ابرها مبارزه کرده بتوسط آیروپلن ها
و بضر ب شلیک گلوله توپ آن مهمان های ناخوانده را
متفرق نماید. هیچ بعید نیست که در یک آینده خیلی نزدیک
(موقعیکه بشر یک سر چشمه البرزی خیلی ارزاتری بدست
میاورد) در هنگام نیامدن باران نیز دهقان های خوشبخت
آروزه تولید ابر های مصنوعی کرده یا بتوسط «اُتو بوس»
های بزرگ هوائی از روی هوا صزارع خود را آبیاری
بکنند. در آنوقت دیگر ماشین های آب پاشی هوائی
خدمت آقایان ابرها را برای ما اجرا خواهند فرمود.
پس آمدن باران و نیامدن آن و هزاران امور نظیر این

مسئله ابدًا چیز خارق العاده و مربوط به علل فوق الطبیعه نبوده
و انسان هر قدر بیشتر برود و تمدن خود را کامل تر کند بیشتر
با سرار طبیعت پی برده و همه چیزهایی که امروز غیر ممکن
و مرموز بنظر او می آیند فر دادا برای او واضح و از بدیهیات
خواهند گردید. «نا تمام»

مسکو. ۱ - ذره (۱)



پرتال جلی و م انسانی